

پیش گفتار

حمد و سپاس خدای را که جهانیان را آفرید و بر ما رسولانی برای هدایت و رهبری فرستاد و انسان را مزین به عقل نمود و در آیاتش بندگان راه یافته و صاحب خرد خود را چنین توصیف فرمود:

فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ^۱

پس بندگان مرا بشارت ده. همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمندانند.

در روایت مشهور از پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین می خوانیم:

سَفَرْتُ أُمِّي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهُمْ فِي النَّارِ إِلَّا فِرْقَةً وَاحِدَةً^۲.

۱. زمر (۳۹): ۱۷ و ۱۸.

۲. تفسیر کبیر فخر رازی ج ۱، ص ۴؛ بحار الانوار ج ۲، ص ۳۱۲؛ ج ۲۸، ص ۲۹.

امّت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم شوند، از آنها جز یکی، همه در دوزخ جای خواهند گرفت.

این حدیث را تمام فرّق مسلمین در کتاب‌هایشان نوشته و تقصیر اختلاف‌افکنی را به گردن دیگران انداخته، خود را مبرّا و نجات یافته می‌دانند. این در حالی است که قرآن فرموده است:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^۱.

به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرّق نشوید.

راستی، آن حبل الله کدام است و به عهده چه کسی است که این آیه را توضیح دهد و به مردم بشناساند تا مردم همگی به آن چنگ زده، متفرّق نشوند. باید از قرآن پرسید که شناساندن این امر به عهده چه کسی است. در سوره توبه می‌خوانیم:

﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^۲.

پس چرا از هر فرقه‌ای از مؤمنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا (دسته‌ای بمانند و) در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را -وقتی به سوی آنان بازگشتند- بیم دهند؛ باشد که آنان (از کیفر الهی) بترسند.

۱ ج ۳۶، ص ۳۳۶؛ صحیح ترمذی آلبانی ص ۲۱۲۹، الرسائل العشر طوسی ص ۱۲۷؛ مسائلتان فی النص علی علی شیخ مفید ج ۲، ص ۳۰؛ العمدة ابن البطریق ص ۷۳؛ عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور ج ۱، ص ۸۳؛ مستدرک حاکم نیسابوری ج ۱، ص ۱۲۹؛ فتح الباری ابن حجر ج ۱۳، ص ۲۵۱؛ تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود العیاشی، ج ۱، ص ۳۳۱؛ لسان المیزان، ابن حجر، ج ۱، ص ۱۲۸؛ ج ۳، ص ۲۹۱؛ ج ۶، ص ۵۶.

۱. آل عمران (۳): ۱۰۳.

۲. توبه (۹): ۱۲۲.

در این آیه خداوند متعال با صراحت، دین‌شناسان را عامل شناساندن جبل‌الله معرفی می‌نماید. پس به عهده‌ء عالمان دین است که عامل وحدت باشند و دین حقیقی را به مردم بشناسانند.

اما عالمان کدام فرقه چنین وظیفه‌ای دارند و چرا این امر مهم از سوی ایشان انجام نمی‌گیرد و هر گروه، خود را فرقه‌ء برتر و اهل حق می‌شناسند و دیگری را بر باطل؟!

دیگر این که منظور از تمسک به ریسمان الهی و وحدت چیست که همه موظف‌اند بدان رو کنند؟

شناخت این امر وقتی ممکن است که تاریخ به درستی شناخته شود و وقایع آن چنان که بوده است روشن گردد. باید معلوم شود که این آب زلال از کجا گل‌آلود شد و چرا؟

باتأسف، علمای اهل سنت خواندن تاریخ صحیح را تحریم کرده‌اند و می‌گویند: تاریخ، غیبت از مردگان است و آن کاری حرام است.

غزالی می‌گوید: بر واعظ و غیر واعظ حرام است که مقتل امام حسین علیه‌السلام و حکایت کربلا و مشاجرات میان صحابه را برای مردم نقل کند. چون این قضایا مردم را به بغض صحابه و طعن به آنها وامی‌دارد؛ در حالی که آنها اعلام‌الدین هستند.^۱

اگر بنا باشد سرچشمه‌ء تفرقه‌ها را بیابیم، باید نظری به حوادث پیش از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بعد از آن بنماییم. چون در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تقریباً همه متفق بودند، و اگر هم صحابیان منافق می‌خواستند توطئه کنند، پیامبر توسط جبرئیل علیه‌السلام آن را خنثی

می نمود و آنها رسوا می شدند. پس اختلاف ها بعد از رسول خدا ﷺ رخ داده است.

بنابر این برای روشن شدن حقیقت باید پرونده را از زمان وفات رسول خدا ﷺ دنبال نمود. چون تمام فرقه های اسلامی بعد از پیغمبر ﷺ رو ییده اند. مسلمانان نخست دو دسته شدند. عده ای طرفدار علی بن ابی طالب (شیعه) بودند و عده ای بعد از پیامبر چون ابوبکر حکومت را به دست گرفت، طرفدار ابوبکر شدند. و وقتی معاویه با دسایسی حکومت را به دست گرفت، طرفداران خلفا به اهل سنت و جماعت نامیده شدند.

در زمان امام صادق (علیه السلام) - که بیش از چهار هزار شاگرد داشت - نعمان بن ثابت، مؤسس مذهب حنفی، و مالک بن انس، مؤسس مذهب مالکی نیز از شاگردان آن بزرگوار بودند و بعد از آنها شافعی و حنبلی نیز به وجود آمدند و عباسیین نیز مردم را متفرق در ادیان نموده و هر یکی را به جان دیگری انداخته و خودشان بر حکومت دست یافتند.

حال بر ماست که با جستجو در میان اخبار، حق را از ناحق بشناسیم و از ادامه ستم به اهل بیت عصمت (علیهم السلام) جلوگیری کنیم. ان شاء الله.

و سعی خواهیم نمود تا جایی که ممکن است مدارک را از کتاب های اهل سنت بیاوریم تا حجت تمام شود.

تذکر دیگری که لازم است ذکر شود این است که تمام صلوات ها را به طور کامل نوشته ایم، مبنی بر دستور خود پیامبر بزرگوار که صلواتی بدون ذکر آل ابتر می باشد.

احمد اسد نژاد